بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مقدمه 2](#_Toc457731685)

[اشاره 2](#_Toc457731686)

[فلسفه علمی 2](#_Toc457731687)

[ترکیب فلسفه تربیت اسلامی 3](#_Toc457731688)

[نگاه اول 3](#_Toc457731689)

[نگاه دوم 4](#_Toc457731690)

[خلاصه بحث 4](#_Toc457731691)

[محورهای رویکردها 5](#_Toc457731692)

[خلاصه بحث: 5](#_Toc457731693)

[تفاوت‌های پدیده با دانش 5](#_Toc457731694)

[نگاهی دیگر 6](#_Toc457731695)

# مقدمه

فقه تربیتی مبحثی است که دوازده، سیزده سال قبل شروع کردیم. در آن زمان به علت اینکه این درس را در سازمان‌ها و تشکیلات نمی‌شد گنجاند، به عنوان درس آزاد طلبگی شروع کردیم. با توکل به خدا، امیدوارم درس به جاهای خوبی برسد. این کار، یک کار طلبگی بی قید و شرط است. فقه تربیتی ما به این شکل شروع شد، دوستانی آمدند، ملحق شدند و کمک کردند، آثار مکتوبی هم رسید.

# اشاره

در جلسه قبل، مقدمات کلی را عرض کردیم. اصطلاحاتی را اشاره کردیم که در مورد آن، چند نکته دیگر امروز خواهیم گفت. همانطور که عرض کردیم، فلسفه به طور مطلق معنا دارد. وقتی مضاف بشود، معنای دیگر پیدا می‌کند. فلسفه مضاف گاهی به فعل یا پدیده است. وگاهی به علم و دانش است.

زمانی که مضاف به علم و دانش بشود، گاهی مضاف به یک علم خاص است؛ گاهی به مجموعه علوم و گاهی مضاف به مطلق علم است.

بنابر بحث مذکور: فلسفه علوم خاص داریم، تعلیم و تربیت، جامعه شناسی، روانشناسی فیزیک و شیمی، و ... .

فلسفه علوم هم خانواده مثل: علوم انسانی، علوم اجتماعی، کاربردی، پایه و ...

فلسفه علم: در این زمینه البته نکات فرا وانی است.

# فلسفه علمی

فلسفه علمی که غربی‌ها می‌گویند چه رابطه‌ای با فلسفه دارد؟ در اینجا نکاتی را راجع به جواب این سوال می‌گوییم.

همانطور که عرض شد، فلسفه زمانی که به پدیده، فعل اضافه بشود، بیشتر هدف، غایت، مبانی و اصول مقصود است.

زمانی که به فعل و پدیده اضافه شود، (هر کدام از سه شکل:‌علم خاص، مجموعه کل علم، خانواده علوم) و محورها را نیز در جلسه قبل عرض کردیم.

فلسفه مضاف به فعل و پدیده با آنچه بر علم مضاف می شود، تقارت و تناسب زیادی دارد. که در همان محورها می‌شود جستجو کرد.

# ترکیب فلسفه تربیت اسلامی

فلسفه تربیتی اسلام، یا فلسفه تربیت اسلام، دارای واقعیت‌هایی است. چند مفهوم خیلی عام اما کلی در اینجا وجود دارد،

به چند صورت بحث ما متصور است:

صورت اول: قیاس فلسفه اسلامی با آنچه که در غرب شکل گرفته است. و می‌گوییم دیدگاه اسلام پیرامون موضوعاتی که شکل گرفته است. در حقیقت ما موضوعات و مسائلی را که در فلسفه علوم و تربیت وجود دارد را از نگاه اسلام موردبررسی قرار می‌دهیم. به طور مثال می‌گوییم: فلان موضوع در باب انسان یا غایات تربیت و امثال این گفته شده است. حال نگاه اسلام را نسبت به این مسائل بررسی می‌کنیم. که بهتر است بگوییم فلسفه تربیتی با رویکرد اسلام یا از منظر اسلام.

این حالت،‌به دو دسته تقسیم می‌شود:

شکل اول:فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی

شکل دوم: فلسفه دانش و یا علوم تربیتی با رویکرد اسلامی.

یکی از اشکال را در نظر می‌گیریم، محورها و موضوعاتش را در می‌آوریم و بعد نگاه اسلام پیرامون آن مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در این قسمت دو نگاه وجود دارد:

## نگاه اول

فلسفه شکل یافته در تربیت، علم، علوم تربیتی که بر معارف اسلامی عرضه می‌شود. و می‌گوییم اندیشه اسلامی در این موضوعات چه نکاتی را دارد.

## نگاه دوم

نگاه دیگر این است که بگوییم در فلسفه معارف اسلامی چه نوع نگاهی به تربیت وجود دارد. وفلسفه‌اش چیست؟ یعنی آنچه در قسمت تربیت اسلامی در گزاره‌های توصیفی یا فقهی اخلاقی موجود است، را با نگاه فلسفی بررسی کنیم.

تعلیم و تربیت اسلامی را موضوع قرار داده و با نگاه فلسفه تحلیلی روی آن کار انجام می‌دهیم. این نگاه به دو قسمت تقسیم می‌شود:

اول: تعلیم و تربیت اسلامی، واقعیت و حقیقت را موضوع قرار می‌دهد.

دوم: دانش و یا دانش‌هایی در تعلیم و تربیت اسلامی شکل گرفته است، اکنون به بررسی فلسفه آن‌ها می پردازیم.

تفاوت دو دیدگاه:

 در رویکرد اول، ما فلسفه موجود تعلیم و تربیت یا علوم تربیتی را موضوع قرار می‌دهیم و با نگاه اسلامی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این رویکرد کار ما اسلامی است. و از منظر معارف اسلامی به سراغ محورهایی در فلسفه تربیت و فلسفه علوم تربیتی می‌پردازیم.

در رویکرد دوم: موضوع اسلام است. تربیت اسلامی یا علم تربیت اسلامی است. اما با نگاه تحلیلی و عقلی به مسائل نگاه می کنیم.

این دو رویکرد با هم تفاوت‌هایی دارند. البته این دو همپوشانی دارند که در جلسات بعد، بحث خواهیم کرد.

## خلاصه بحث

وقتی می‌خواهیم فلسفه تربیت اسلامی را مطرح کنیم، یک بار ، اسلامی، قید برای فلسفه است یعنی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت با یک نگاه اسلامی،‌آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. و بار دیگر،اسلامی قید تربیت نیست. بلکه تربیت اسلامی را با نگاه فلسفی می‌خواهیم بررسی کنیم.

این دوروش تفاوت‌های بسیاری دارد. در روش اول: روش اسلامی است و معارف اسلامی است. در رویکرد دوم،نگاه و روش، فلسفی است.

# محورهای رویکردها

در این دو محور چهار رویکرد مطرح است:

1. فلسفه تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی
2. فلسفه علوم تربیتی یا علم تربیت با رویکرد اسلامی

در این دو روش که برای رویکرد اول مطرح می‌شود، موضوع فلسفه است، روش کار معارفی اجتهادی است. باید با روش اجتهادی به سراغ مسائل فلسفه تربیت یا فلسفه علوم تربیت اسلامی می‌رویم.

1. فلسفه تربیت یا فلسفه علوم تربیتی

یا به عبارت دیگر تربیت اسلامی با رویکرد فلسفی؛ در این مرحله تربیت اسلامی را با نگاه فلسفی تحلیل می‌کنیم.

1. علم و علوم مربوط به تربیت اسلامی با رویکرد فلسفی

در این روش دانش‌های مربوط به تربیت اسلامی را با رویکرد فلسفی مورد بررسی قرار می‌دهیم

این تقسیم بندی دارای چهار قسمت است که به صورت خلاصه مطرح شد.

زمانی که فلسفه دانش تربیت اسلامی یا علوم تربیت اسلامی را نام می‌بریم بیشتر با گزینه سه و چهار سر و کار داریم. اما وقتی می‌گوییم فلسفه تربیت اسلامی، یا فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد اول ودوم سر و کار داریم.

## خلاصه بحث:

چهار نوع نگرش و رفتار در مقابل دو رویکرد داریم: یعنی علوم تربیتی اسلامی، که همان فقه تربیت، کلام تربیتی، اخلاق تربیتی از نظر فلسفه.

### تفاوت‌های پدیده با دانش

این دو تفاوت‌هایی را با هم دارند؛ وقتی خود پدیده را مورد تحلیل فلسفی قرار می‌دهیم، فلسفه مضاف به پدیده نام می‌گیرد. اما وقتی دانش را مورد تحلیل قرار می‌دهیم؛ نقاط اشتراک مضاف به علم. درست است که اشتراکات زیادی در بین این دو وجود دارد اما افتراقات بسیاری نیز دارند.

تبیین چهار مرحله:

 چهار عملیات فلسفی و اجتهادی است. که در حوزه تعلیم و تربیت یا دانش‌های وابسته به تربیت به کار می‌رود. زمانی که بر پایه‌ی یکی از چهار عملیات بخواهیم بحث کنیم؛ نوع بحث تفاوت‌هایی پیدا خواهد کرد. به طور مثال اگر بگوییم فلسفه علوم تربیتی با رویکرد اسلام و اجتهادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، یا اینکه بگوییم فلسفه تربیتی را با نگاه اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم. اگر این باشد باید به سراغ کتاب نور و یا دیویی برویم و با کتاب‌های متأخری که در فلسفه تعلیم و تربیت وجود دارد؛ مورد مداقه و مناقشه از نگاه اسلامی قرار بدهیم.

فعالیت‌های انجام شده در سال‌های اخیر:

در پانزده سال قبل، به سراغ کتاب دیویی رفتیم، بعضی از فصول را به عنوان پیشگامان فلسفه تربیت که در مورد بعضی از این محورها سخنانی گفته بودند از نگاه اسلام مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

ما تربیت اسلامی یا دانش‌های تربیت اسلامی را یک امر محقق می‌دانیم؛ و با یک نگاه فلسفی مورد بحث قرار می‌دهیم. در این روش، روش ما عقلی فلسفی است. نه روش اجتهادی.

زمانی که می‌گوییم فلسفه تربیت اسلامی یا فلسفه علوم تربیتی با رویکرد اسلامی؛‌باید ببینیم بر کدام از این روش‌های نظارت داشته است. گاهی بعضی از این روش‌ها مشترک به کار می‌رود و گاهی ممکن است به شکل تسامح و غیر تسامحی بیایید و این‌ها را در اصطلاح کلی قرار می‌دهیم. بهتر است بگوییم فلسفه تربیت اسلامی با یک نوع تسامح، تمام بخش‌ها را می‌گیرد.

اگر در بررسی موضوع، مثلاً در موضوع فلسفه که روش عقلی است ما بررسی سخنان دیگران را مثلاً دیویی را مد نظر قرار دادیم و بررسی کردیم این یک نوع مسامحه است. یعنی فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی. یعنی با رویکرد اسلامی فلسفه علوم یا علم تربیت را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم منتها این نقد به سمت فلسفه تربیت اسلامی می‌رود.

زمانی که فلسفه تعلیم و تربیت موجود غربی را با نگاه اجتهادی مورد نقد قرار می‌دهیم؛ حاصل آن؛ طراحی فلسفه تربیتی اسلام است. و کمک می‌کند به سمتی برویم که این دو همدیگر را همپوشانی کنند.

### نگاهی دیگر

یک نگاه دیگر این است که کسی کل اسلام را، با یک رویکرد تربیتی مورد تحلیل قرار دهد. کلیت اسلام، این پیکره کلی را با یک نگاه تربیتی مورد تحلیل قرار دهد.

نگاه پنجم:

نگاه به کاربرد است. شبیه آنکه در قرآن در مقدمات تفسیر تربیتی عرض شد. تفسیر تربیتی به سراغ معارف خاص تربیتی قرآن می‌رود و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.